

صاحب تیراف*

عبدالواحد مُنظِم، پیشگام جنبش جدیدیه

در سده ۲۰ میلادی، تحلیل عمیق و همه‌جانبه علمی حیات، فعالیت ادبی، روزنامه‌نگاری، آموزگاری، افکار سیاسی و فلسفی، و دیگر جنبه‌های حیات علمی و ادبی نمایندگان حرکت جدیدیه، بنا به دلایلی از حوزه کاری ادبیات‌شناسان، مورخان، فلاسفه و به طور کلی محققان دوران شوروی دور مانده بود.

خوشبختانه، در دو دهه اخیر، اندکی توجه به پژوهش، تحلیل و تحقیق حیات و آثار کسانی مانند تاش‌خواجه اسیری (۱۸۶۴-۱۹۱۰)، سید احمدخواجه صدیقی عجزی (۱۸۶۵-۱۹۲۴)، محمودخواجه بهبودی (۱۸۷۵-۱۹۱۹)، ملا سیداحمد وصلی (۱۸۶۹-۱۹۲۸)، میرزا عبدالواحد مُنظِم (۱۸۷۵-۱۹۳۴)، عبدالرئوف فطرت (۱۸۸۶-۱۹۳۸)، احمدجان مخدوم حمدی (۱۸۷۵-۱۹۴۶) و بسیاری دیگر از معارف‌پروران و روشنفکران نسل دوم تاجیک که در ردیف آنها صدرالدین عینی (۱۸۷۵-۱۹۵۴) نیز داخل می‌شود و در تاریخ با نام «جدیدان» و آثارشان با عنوان «ادبیات جدیدی» یاد می‌شود، شده است.

از میان نمایندگان نسل دوم ترقی‌پروران و معارف‌پروران تاجیک، آبرو و منزلت و مقام و موقعیت تاریخی عبدالواحد منظم، با فعالیت و کار و خدماتش در

* عضو وابسته فرهنگستان علوم تاجیکستان، استاد افتخاری دانشگاه ملی تاجیکستان و دانشگاه دولتی آموزگاری صدرالدین عینی تاجیکستان.

جنبش جدیدی و بیداری فکری خیلی بزرگ می‌باشد.

میرزا عبدالواحد قراول‌بیگی، فرزند برهان‌بیک قراول‌بیگی، از اخلاف عبدالجلیل دیوان‌بیگی، مشهور به مصرخان (مصری)، در سال ۱۸۷۵ میلادی در بخارا متولد شده، مدرسه را نیز در همین جا ختم کرده است. منظم از سال ۱۸۹۶، ابتدا در میرزاخانه قاضی کلان شریف‌جان مخدوم صدر ضیا (۱۸۶۵-۱۹۳۲ م.) و بعد در میرزاخانه وزیر امارت بخارا میرزا نصرالله‌بی قوش‌بیگی، وظیفه میرزایی و وثیقه‌نویسی را به عهده داشت. همه معاصران وی، به هنر خطاطی و خوشنویسی بی‌مثل و تحریر زیبای مکاتیب و وثیقه‌ها و سندها و به خوش‌سخنی منظم معترف بودند و سبک و اصول نثر وی را که اساساً از رقعات و مکاتبات و وثیقه‌نویسی عبارت بودند، خیلی والا درجه می‌شمردند.

منظم، ملایچه مدرسه، مانند عینی در جوانی، در منزل قاضی کلان‌زاده بخارا - شریف‌جان مخدوم صدر ضیا خدمت کرده، در آن جا بارها از شرکت‌کنندگان محفل ادبی این منزل که اکثر آنها به ساختار دولت‌داری استبدادی امارت بخارا نظر انتقادی داشتند، آشنا می‌شود و بعضی عقیده‌های انتقادی آنها را می‌شنود. منظم، مانند عینی، از آن محفل ادبی منزل صدر ضیا، جنبه‌های گوناگون و نازکی‌های شعر و شاعری را نیز می‌آموزد.

در تاریخ افکار سیاسی و اجتماعی تاجیک، در کنار دیگر خدمات نمایان ادبی-مدنی، خدمت منظم در نسخه‌برداری «نوادالوقایع» احمد مخدوم دانش و مجموعه اشعار محمدصدیق حیرت و جاودان کردن این دو سرچشمه مهم افکار اجتماعی و ادبی مردم تاجیک را نمی‌توان نادیده گرفت.

اگر منظم در تاریخ افکار سیاسی و اجتماعی مردم تاجیک، هیچ کاری دیگر

هم نمی‌کرد و تنها با جمع‌آوری و با خط زیبای خود که آن هم نوعی صنعت عالی به شمار می‌رود، به نسخه‌برداری و رونویسی می‌پرداخت و بویژه برای نسل آینده به محفوظ داشتن «نوادر الوقایع» احمد مخدوم دانش و اشعار محمدصدیق حیرت اکتفا می‌نمود، همین برای بقای نام او کافی بود.

موافق شهادت صدرالدین عینی، پس از فوت حیرت، منظم ۲۰۰۰ بیت غزل، قصیده، داستان، قطعه و رباعی حیرت را که در دست برادر کوچکتر حیرت و عینی نگاهداری می‌شدند، به کمک احمدجان حمدی نسخه‌برداری نمود. عینی در این باره می‌نویسد: «میرزا عبدالواحد، با خط خود از مجموعه شعرهای حیرت، دو نسخه طیار کرده، یکی را به من داد و دیگری را برای خودش نگاه داشت»^۱.

پس از وفات محمدصدیق حیرت در ۱۵ ربیع‌الثانی سال ۱۳۲۰ هجری (۲۳ ژوئیه سال ۱۹۰۲ م.) نام و شهرت او «واویلابی در بین شاعران جوان، ادبیات‌شناسان و هوسکاران شعر و ادبیات برخاسته در شهر غلغله انداخت... (امیر عبدالاحد) میراث ادبی حیرت را به دست خود درآوردن خواست و این کار را به قاضی کلان بدرالدین فرمود»^۲.

صدرالدین عینی تفصیل تفتیش‌های قاضی کلان و جاسوسان امیر عبدالاحد را در مسئله به دست درآوردن مجموعه اشعار حیرت این گونه بیان کرده است:

«دیری نگذشت که ملازم قاضی کلان آمده، ما را به پیش او دعوت کرد. ما (منظم و عینی - ص.ت.) رفتیم. او شعرهای حیرت را از ما، از نام امیر طلب کرد. ما منکر شدیم و گفتیم: حیرت از شهرت می‌ترسید. بنا بر این، بعضی شعرهای نوشته‌اش را به ما نشان دهد، به نسخه برداشتن رخصت نمی‌داد. دادرش (برادر کوچکترش) باشد، هم بیمار و هم دیوانه (در جای دیگر «سل کسل (بیماری سل)» -

ص. ت.)، بعد از وفات برادرش به ما چیزی نداد. او (حیرت-ص.ت.) پیش از مُردنش همه نوشته‌جاتش را سوخته بود».^۲

چنان که معلوم است، پرس و جو و تفتیشها و تعقیبات گماشتگان قاضی کلان، بدرالدین و رئیس برهان‌الدین در به دست آوردن یکی از آن دو مجموعه اشعار حیرت، دور و دراز ادامه یافت، ولی هیچ نتیجه نبخشید. سبب این را عینی در «یادداشتها»ی خود به تفصیل بیان کرده، در جایی با تأسف می‌نویسد: «من از بیم آن که مبادا حجره‌ام را آدمان قاضی کلان کافت و کاو کرده، آن نسخه را از دستم گیرند، وی را برده در حولی (منزل حیاطدار) میرزا عبدالواحد با نسخه او- هر دویش را در شفت (سقف) یک میدان تاریک آویخته ماندیم. اما در سال ۱۹۱۸، به مناسبت واقعه کالیسوف، -وقتی که خانه میرزا عبدالواحد تاراج شد، هر دو نسخه هم تلف گردیدند».^۴

همین بیانات عینی، از آن گواهی می‌دهد که فعالیت مخفی و افکار آرمانی این دو فرزند برومند خلق تاجیک- عینی و منظم، در ترغیب عقیده‌های معارف‌پروران و ادیبان پیشقدم دوران خود، بسیار مؤثر بوده است.

بدین ترتیب، دوستی، همراهی، شریک‌درسی و رفاقت دائمی منظم با حیرت، مهری، عینی، حمدی پس از زندگی عینی در مدرسه حاجی زاهد از سال ۱۸۹۶م. و همکلاسی آنها، ابتدا نزد داملائی کنجه‌کیشان، ملا عبدالسلام، بعد در نزد داملائی درس‌خانگی آنها، داملاً محمّد اکرام ابن عبدالسلام (۱۸۴۷-۱۹۲۵م.) و سپس نزد قاضی کلان، قاضی بدرالدین که چندین سال دوام می‌کند، رفته رفته به هم‌مسلمی و همکاری ایجادی و معارف‌پروری و آزادی‌خواهی آنها مساعدت می‌نمایند.^۵ چنین دوستی و رفاقت را منظم با هم‌درسه‌های دیگر خویش مانند محمّدصدیق حیرت،

عبدالخلیل مخدوم، میرقادر مخدوم و حامدخواجه مهری نیز گسترش و رونق می‌دهد. او با آنها در حین درسها و بعد از درسها، در حجره عبدالخلیل مخدوم، نه تنها به مرور درسها می‌پرداخت، بلکه در بارهٔ اوضاع اجتماعی نیز تبادل اندیشه می‌نمود.

بدین ترتیب، به تدریج در تفکر و جهان بینی منظم تبدلات و انقلاب فکری به وجود می‌آید که در شکل‌گیری شخصیت وی، اثر مشهور احمد مخدوم دانش «نوادر الوقایع» نقشی بزرگ دارد. در ترغیب این اثر «... در همین وقتها از افق تیرهٔ بخارا چون ستارهٔ سحرگاهی که در پایان شبهای تار درخشان و تابان ظاهر می‌شود»^۱ منظم خدمت بسزایی نموده بود. در حقیقت، منظم پس از صدر ضیا، در میان روشنفکران زمان خود، دومین کسی بود که بی‌واسطه با متن «نوادر الوقایع» آشنا گردیده بود. پس از او، عینی نیز به خاطر مقابله‌خوانی نسخه‌ای از این اثر با اصل آن، با این اثر آشنا می‌شود و بعدها به واسطهٔ آنها، حیرت نیز در بارهٔ آرمانهای اجتماعی این اثر احمد دانش، آگاهی حاصل می‌کند.

بی‌مبالغه بایستی تأکید کرد که در سال ۱۸۹۹م. درخواست صدر ضیا از منظم برای کتابت و مقابله‌خوانی «نوادر الوقایع» توسط صدرالدین عینی، تأثیر عمیق فکری بر آنها گذاشت که پیدایش افکار انقلابی و آزادی‌خواهی آنها مدد زیاد رسانده است. صدرالدین عینی از سرنوشت اثر «نوادر الوقایع» خوانندگان را آگاه می‌کند که احمد مخدوم دانش، بزرگترین اثر را با دست خود نوشته، به برادر خردتر محبوس شدهٔ امیر عبدالاحد-صدیق خان حشمت تقدیم کرده است:

«احمد مخدوم که سردار ناراضیان دربار بود، با صدیق خان علاقهٔ مخفی بسته، کتاب خود را مجاناً و بی‌هیچ منفعت مادی و معنوی به او تقدیم کرده بوده است.

شریف‌جان مخدوم که عاشق اثرهای احمد مخدوم بود، با صدیق‌خان علاقه مخفی بسته، برای نسخه برداشتن آن کتاب را از او به طرز عاریت گرفته است و نسخه‌برداری را به میرزا عبدالواحد منظم، که ... خوشنویس و پخته‌کار بود، سپرده‌است».^۷

منظم با خواهش و سفارش قاضی بخارا شریف‌جان مخدوم صدر ضیا، سر کتابت «نوادرالوقایع» احمد مخدوم دانش را به هیچ کس، حتی به دوست و رفیق دائمی‌اش عینی نفهمانده، کتابت نمود. تنها پس از آن که صدر ضیا تصحیح و تطبیق نسخه کتابت شده میرزا عبدالواحد را با نسخه اصل دستنویس احمد دانش به عینی می‌سپارد، آنها مطابقت آن اثر بی‌زوال را انجام می‌دهند.

صدرالدین عینی روش نسخه‌برداری «نوادرالوقایع» را در حجره میرزا عبدالواحد که در بالای دروازه‌خانه مدرسه ملا محمدشریف (در گذر غازیان) واقع شده بود، این‌گونه شرح می‌دهد:

«در رفت (جریان) کار، من نسخه دستنویس احمد مخدوم را به دست گرفته، نگاه می‌کردم. میرزا عبدالواحد نسخه‌ای را که خود نوشته بود، با آواز بلند می‌خواند و در هر جا که خطا رفته باشد، من لقمه می‌دادم (میان سخنش می‌دویدم) و میرزا عبدالواحد از خواندن باز ایستاده، نسخه خود را با قلم خود تصحیح می‌کرد. هر گاه که او از خواندن مانده می‌شد، من با آواز بلند از نسخه اصلی می‌خواندم و او از روی خوانش من به نسخه خود غلطی یابد، مرا از خواندن باز داشته، نسخه‌اش را درست می‌کرد».^۸

جالب دقت است که میرزا عبدالواحد منظم، در نتیجه همین نسخه‌برداری تجربه پنهان‌کاری نیز پیدا می‌کند، چون که از سر کتابت «نوادرالوقایع» کسی آگاه

نبود و منظم و عینی تنها محمدصدیق حیرت را با آن اثر آشنا کرده بودند. او که هر روز به حجره منظم و عینی - نزدیکترین دوستان و همدرسانش می‌آمد، در حجره منظم از کتابت شدن «نوادرالوقایع» خبردار شده، از همین راه، هر روز به طرز سامع به کار مقایسه‌نمایی و تحریر منظم و عینی اشتراک می‌کند. صدرالدین عینی این واقعه را به شکل ذیل آورده است:

«ما در حجره را بسته، این سر را به کسی نفهمانده، کار را دوام می‌دادیم. اما روزی شاعر محمدصدیق حیرت آمد و ما از او این سر را پنهان نداشتیم، چون که او مانند ما در جایی نمی‌پوکید (نمی‌گفت) و سر را افشا نمی‌کرد»^۱.

بدین ترتیب، از سال ۱۸۹۹م، در سایه مطالعه «نوادرالوقایع» به تعبیر عینی، که حالا آن نسخه در گنجینه انستیتو شرق‌شناسی عبدالغنی میرزایف با رقم ۲۰۱۲ باقی مانده است، در شعور منظم، عینی، حیرت و بعضی دیگر شریک‌درسان تغییرات و «انقلاب فکری روی داد»^۱ که همه اینها تدریجاً به پیدایش و گرایش قوه‌های پیشقدم و آزادی‌خواه و بامعرفت جامعه بخارا، تحولات سیاسی و اجتماعی و اقتصادی پیش می‌آورد و به آغاز حرکت نسل دوم «معارف‌پروری» که بعدها با نام حرکت «جدیدی» معروف گردید، انجامید.

یکی از علل از همان زمان کاسته شدن شوق و ذوق عینی، منظم، مه‌ری، حمدی و برخی دیگر از همدرسانشان به درس‌خوانی در مدرسه‌های بخارا را، می‌توان از تأثیر افکار احمدمخدوم دانش قلمداد کرد. آشنایی با «نوادرالوقایع»، سبک و اسلوب و زبان آن، طرز بیان نسبتاً نو، ساده‌بیانی نویسنده متفکر از یک طرف، و جستجوی تر و تازه اشعار حیرت، از طرف دیگر نیز، به رویه و اسلوب و طرز بیان آثار منظم و مقربان او تأثیر زیاد رساند. همین سالهای آشنایی با «نوادرالوقایع»، آغاز نظرهای

انتقادی به ساختار امارت بخارا و مانند آنها، منظم، عینی، حامدخواجه مهري، حمدي، عبدالخليل مخدوم، ميرقادرمخدوم و ديگران را وادار ساخت كه بيشتر درس خواندگي‌هاي خود را عبث بدانند و بين دوستان خود در «غيب‌خانه‌ها»، «فراموش‌خانه‌ها»، حجره‌ها و بالاي بامهاي مدرسه‌ها، از لزوم اصلاحات اجتماعي، از جمله تاسيس مكتهبهاي جديد و تغيير برنامه‌هاي مدارس بخارا، تبادل نظر مي‌کردند.

آنها در کنار آشنايي با «نوادالوقايح»، به مطالعه نخستين مجله و روزنامه‌هاي پخش شده در بخارا - «حبل المتين» كه در كلكته به زبان فارسي چاپ مي‌شد، «صراط المستقيم» تركي، «ترجمان» تاتاري قريمي (قومي) كه در باغچه‌سرا توسط اسماعيل غسپري (گاسپيرالي) به زبانهاي تاتاري و روسي، «وقت» تاتاري كه در آرينبورگ درج مي‌گريد، رغبت مي‌كنند و در بعضي آنها، منظم با نام مستعار «بخارايي» نيز خبر و مقاله‌هايي چاپ مي‌كرد.

منظم بعدها، به مرور با مطالعه ديگر روزنامه و مجله‌ها، از قبيل «وقت»، «ملا نصرالدين»، «الاصلاح»، «يولدوز»، «صبح»، «شورا»، «قوياش»، «ارشاد»، «شلال»، «ترموش»، «چهره‌نما»، «پرورش»، «سمرقند»، «خورشيد»، «صداي تركستان»، «صداي فرغان»، «فكر»، «آيين» و غيره در آسياي ميانه و امارت بخارا از بسياري مسئله‌ها و حوادث و اوضاع آغاز سده ۲۰ ميلادي آگاهي كسب مي‌كند.

مخصوصاً تأثير انقلاب يكم روسيه سالهاي ۱۹۰۵-۱۹۰۷ ميلادي و جنبش‌هاي ملي و آزادي‌خواهي در شرق و مخصوصاً در تركيه و ايران، در قلمرو امارت بخارا به اوج حركت اصلاحات‌خواهي مساعدت نمودند. اين عقیده‌هاي اصلاحات‌خواهي از مسئله‌هاي تشكيل مكتهب اصول جديد، اصلاحات اداره‌هاي

امیری، به ترتیب آوردن مالیاتها، از خودسری‌ها نگاه داشتن مأموران امارت و امثال آنها عبارت بودند. از جانب دیگر، محیط و وضعیت اجتماعی و دیگر حوادث اجتماعی چشم همه این ترقی‌پروان و آزادفکران را در مقابل بی‌عدالتی‌های اجتماعی امیران منغیت بیش از پیش گشودند.

پیدایش و گسترش روزنامه و مجله‌ها و اثرهای ادبی، تاریخی، تعلیمی و امثال آنها به زبانهای ترکی، فارسی، تاتاری، آذربایجانی، روسی و غیره در امارت بخارا، بر منظم هم بی‌تأثیر نمی‌ماند. همه این عوامل و دیگر حوادث پرماجرایی اجتماعی آغاز سده ۲۰ میلادی، به منظم یاری کرد که وی نخست‌رهبر حرکت جدیدی در امارت بخارا گردد.

فعالیت معارف‌پرورانه منظم با گشایش نخستین مکتب جدیدی در ۱۰ ماه شوال سال ۱۳۲۶ هجری (۵ نوامبر سال ۱۹۰۸ میلادی) در بخارا در منزل خود آغاز می‌یابد. او خود در آن منزل به عنوان مدیر و معلم اول، حمدی و مهری معاونان او و عینی ناظر و تدوین‌گر کتابهای تعلیمی برای مکتب‌بچگان کار می‌کنند. ولی آن «مکتب منظم» همگی یک سال فعالیت نکرده، ۱۰ ماه رمضان سال ۱۳۲۷ هجری (۲۶ سپتامبر سال ۱۹۰۹ میلادی) از جانب عوامل ارتجاعی امارت و با وسوسه «قدیمیان» بسته می‌شود.

پس از آن که منظم بستن مکتبش را دید و پس از آن که تا چه اندازه فاجعه‌انگیز بودن نزاعهای مذهبی و قتل‌عام در بین مردم مذهبهای شیعه و سنی را ۱۰-۱۴ ماه محرم سال ۱۳۲۸ هجری (۲۳-۲۷ ژانویه سال ۱۹۱۰ میلادی) در بخارا مشاهده نمود، ماههای فوریه-مارس سال ۱۹۱۰م. او در فکر و مقصد تأسیس سازمانی که بعدها عنوان «تربیه اطفال» را می‌گیرد، می‌شود و با همکاری عینی، حمدی، مهری، میرزا محیی‌الدین منصوراف، فرزندان او- میرزا عظام و عبدالقادر

محمّدالدین‌اف و دیگران قصد سر و سامان دادن به این سازمان می‌شود. آن سازمان مخفی که منظم با هم‌مسلكانش قصد تشکیل آن را داشت، چنین وظایفی را به عهده داشت:

«۱. در بین اهالی بی‌علمی و بی‌فکری را نیست کردن؛ برای این کار به رواج مکتب ابتدایی کوشیدن؛ ادبیات نو و مطبوعات هرروزه را در بین مردم گسترده کردن.

۲. با علمای مرتجع مبارزه کردن؛ با این مقصد، رذالت عالم‌نماها و مدرسه‌ها را در نظر مردم شفاف نشان دادن؛ به گشاده شدن فکر طلبگان مدرسه، خصوصاً فرزندان علما کوشیده، مسئله اصلاح مدارس را پیش بردن.

۳. ظلم و فساد حکومت را به خلق شفاف نشان دادن؛ با این مقصد مناقشه حاکم و قاضی‌ها را با خلق، خصوصاً با دهقانان و فقیران روستاها به خلق فهماندن؛ به قدر امکان حقوق دهقانان فقیر و ظلم‌دیدگان را مدافعه کردن؛

۴. اسرافها و رذالتهای امیر و اهل دربار را نشان دادن؛ حق نداشتن امیر و افراد وی موافق میل خود صرف کردن بیت‌المال را به خلق فهماندن.

۵. بدعتهای بین اهالی را برداشتن؛ در عاداتها و مراسم، در جشن و عزا، به قدر امکان راه مشروع پیش گرفتن.

۶. از بین اهالی تعصّبهای جاهلانه، نزاعهای مذهبی، رقابتهای و نسبت به همدیگر افتخار و تحقیر دیگری را برهم دادن، برای عملی گرداندن آموزه‌های فوق آماده کردن افکار عمومی».^{۱۱}

بدین ترتیب، در ۲۸ ماه ذوالقعدة سال ۱۳۲۸ هجری قمری (۱۹ نوامبر سال ۱۹۱۰ م. سالشماری کهنه، یا ۲ دسامبر سال ۱۹۱۰ میلادی سالشماری نو)^{*} از جانب

* - تا قبل از انقلاب اکتبر سال ۱۹۱۷ میلادی، تقویم روسیه ۱۳ روز با تقویم رایج در اروپا تفاوت داشت. سال ۱۹۱۸ م. به دستور لنین، سالشماری روسیه مطابق سالشماری اروپا گردید. (ویراستار)

منظم، عینی، حمدی، مه‌ری، محیی‌الدین منصوراف، میرزا عظام محیی‌الدین اف و عبدالقادر محیی‌الدین اف و دیگر اعضای فعال سازمان مخفی «تربیهٔ اطفال» تشکیل می‌یابد و رهبری این سازمان به منظم واگذار می‌گردد.

پس از این منظم، فعالیت معارف‌پروری خویش را رشد داده، با همکاری اعضای فعال سازمان «تربیهٔ اطفال» محیی‌الدین منصوراف، میرزا عظام و عبدالقادر محیی‌الدین اف، میرزا سراج حکیم (میرخان) به تأسیس اولین روزنامه به زبان تاجیکی در حدود امارت بخارا اقدام می‌نماید. شمارهٔ نخستین این روزنامه با عنوان «بخارای شریف» در ۴ ربیع‌الثانی سال ۱۳۳۰ هجری قمری (۱۱ مارس سال ۱۹۱۲ میلادی سالشماری کهنه، یا ۲۴ مارس سال ۱۹۱۲ میلادی سالشماری نو) به طبع می‌رسد و در بین مردم تومانها و روستاها و شهرهای امارت بخارا انتشار می‌یابد. پس از این رهبری سازمان «تربیهٔ اطفال» و عموماً رهبران حرکت جدیدی، در ۱۴ ژوئیه سال ۱۹۱۲ میلادی (۲۷ ژوئیه سال ۱۹۱۲ سالشماری جدید میلادی) به چاپ روزنامه‌ای به زبان ازبکی با نام «توران» شروع می‌نمایند. هم سرکردگان و عملداران دولت و حکومت امیری و هم نمایندگان ایلچی‌خانهٔ حکومت پادشاهی روس، خوف و خطر این دو روزنامه، مخصوصاً مواد انتقادی آنها را احساس نموده و در بین مردم به طور وسیع انتشار یافتن یکصد و پنجاه و سه شمارهٔ «بخارای شریف» و چهل و نه شمارهٔ روزنامهٔ «توران» را مشاهده کرده، ایلچی‌خانهٔ روس که می‌دید آن روزنامه‌ها در حدود کاگان ترکستان به طبع می‌رسیدند، در ۲ ژانویه سال ۱۹۱۳ میلادی (۱۵ ژانویه سال ۱۹۱۳ سالشماری جدید میلادی) به ادارهٔ این روزنامه‌ها مکتوبی با مضمون ذیل می‌فرستد: «با خواهش جناب امیر بخارا، از همین روز اعتباراً روزنامه‌های «بخارای شریف» و «توران» از نشر بازداشته می‌شوند».

سازمان «تربیه اطفال» به این تعقیبات و ممنوعیت‌ها نگاه نکرده، در حدود امارت بخارا، حرکت و فعالیت خود را باز هم شدیدتر می‌کند. مخصوصاً از سالهای ۱۹۱۲-۱۹۱۳م. آغاز کرده، در بخارا و شهرها و تومانه‌های امارت، تأسیس مکتبهای جدیدی بیشتر ادامه می‌یابد که در این کار، فعالیت منظم خیلی چشمگیر می‌باشد. همچنین از سال ۱۹۱۴م. از جانب منظم و هم‌مسلكانش شرکت سهامی آشکارای جدیدان «برکت» که با نام «شرکت جوانان» و یا «شرکت جدیدان» مشهور بود و شرکت سهامی کتابخانه «معرفت» تأسیس یافت که در ترغیب و تشویق افکار معارف‌پروری و جهت‌نگریستن به سوی جهان نو و گام نهادن مردم بخارای امیری به پیش، نقشی بارز داشت.

بدین ترتیب، منظم را معاصران وی، به عنوان سازمان‌دهنده نخستین مکتب جدیدی، مؤسس سازمان مخفی «تربیه اطفال»، مؤسس روزنامه‌های «بخارای شریف» و «توران»، شرکت سهامی آشکارای جدیدان «برکت» و شرکت سهامی کتابخانه «معرفت» می‌شناختند.

نشانه‌های اختلافات در بین جوان‌بخاریان کهنه در شخصیت منظم و جوان‌بخاریان نو و «جوان» با سروری فیض‌الله خواجه‌اف و عبدالرئوف فطرت با این که در عرفه (آستانه) انقلاب بورژوازی روسیه آغاز یافت، لیکن پس از انقلاب فوریه سال ۱۹۱۷م. در روسیه، بحث و مناظره در بین این دو گروه حرکت جدیدی- گروه راست و گروه چپ، بیش از پیش اوج می‌گیرد. در مرکز بحث و مناظره و مناقشه و محاوره‌های این دو گروه جدیدان، پیش از همه مسئله برخورد جدیدان با فرمان اصلاحات آینده امیر عالم‌خان در قلمرو امارت و بعد، با پرچم گذراندن و نگذراندن و اشتراک نمودن و نمودن جدیدان در نمایشها پس از اعلام فرمان

اصلاحات امیر بود. این ناسازگاریها و مناقشه‌ها منجر به آن شد که ماه مارس سال ۱۹۱۷م. مجلس، فرقه جوان‌بخاریان را دعوت کرد تا کمیته مرکزی و ریاست خود را انتخاب نماید، که کمیته مرکزی نو مشخص شد و منظم به عنوان رهبر انتخاب گردید.

بعد از آن مجلس و انتخابات در کاگان، ملاقات ریاست فرقه جوان‌بخاریان با رهبری منظم با نماینده سیاسی حکومت موقتی روسیه، میلر برگزار می‌گردد. در آن ملاقات، منظم از نام فرقه جوان‌بخاریان از میلر می‌خواهد که خواسته‌های آن فرقه را به امیر در باره تجدید ساختار دولت‌داری آینده امارت برساند:

«۱. نمایندگی خلق چه در نزد حکومت مرکزی و چه در نزد بیک‌ها و حکومتداران محلی، بهتر ساختن کار مأموریت از بالا تا پایان و نظارت نمایندگان مردمی بر آنها؛

۲. منع نوع مالیات، غیر از مالیاتهایی که با قانون شریعت موافقت می‌کنند؛

۳. آزادی مکتب و مطبوعات؛

۴. اخراج برخی از کارگزاران متعصب و خرافاتی و ارتجاعی از اداره‌های امارت».

میلر ابتدا این خواسته‌های ریاست جدیدان را خیلی زیاد و خیال‌پرستانه

شمرده، آنها را از نام حکومت موقتی روسیه قبول نمی‌نماید و رد می‌کند. وقتی که

۲۰ آوریل سال ۱۹۱۷م. (به حساب سالشماری نو) امیر عالم‌خان فرمان اصلاحات را

در قلمرو امارت اعلام نمود، خود همین روز جدیدان گروه چپ با سروری فیض‌الله

خواج‌اف در بخارا گردهمایی تشکیل می‌دهند که در برپایی آن، نه همه جدیدان

گروه راست راضی بودند. این واقعه باز هم رقابت بین این دو گروه را بالا برد. وقتی

که از صبح ۲۱ آوریل سال ۱۹۱۷م. حبس و استنطاق و قتل جدیدان، ترقی‌پروان و

آزادفکران و بعضی شرکت‌کنندگان آن گردهمایی آغاز یافت، ۲۳ آوریل سال ۱۹۱۷م. در کاگان مجلس فرقه جوان‌بخاریان تشکیل می‌شود و در آن منظم راجع به مسئله‌های جاری سخنرانی می‌نماید. منظم در همین مجلس، برای وظیفه ریاست کمیته مرکزی فرقه جوان‌بخاریان محی‌الدین منصوراف را پیشنهاد می‌کند و خود در شمار عبدالقادر محی‌الدین‌اف، محی‌الدین رفعت، فیض‌الله خواجه‌اف، عثمان خواجه‌اف، موسی سعیدجان‌اف و سه چهار نفر دیگر، به عنوان اعضای کمیته مرکزی فرقه جوان‌بخاریان، فعالیت انقلابی و معارف‌پروری را ادامه می‌دهد. کمیته مرکزی فرقه جوان‌بخاریان به واسطه حکومت موقتی روسیه، از امیر عالم‌خان طلب می‌کند که در تمام قلمرو امارت بخارا عفو عمومی اعلام نماید و از تعقیب آزادفکران، از آن جمله جوان‌بخاریان، دست کشد. با این مقصد محی‌الدین منصوراف، منظم و فیض‌الله خواجه‌اف ۶ ماه رجب سال ۱۳۳۵ هجری قمری (۲۹ آوریل سال ۱۹۱۷م. به حساب سالشماری نو) ابتدا در کاگان با میلر ملاقات می‌کند، سپس در هیئت دوازده نفری اعضای کمیته مرکزی فرقه جوان‌بخاریان، به نزد امیر عالم‌خان رفته، خواسته‌های فوق را پیشنهاد می‌نمایند. اما از جانب امیر جواب منفی می‌گیرند.

با همین، دوره اول فعالیت و عملیات حرکت جدیدی و جوان‌بخاریان به آخر می‌رسد و از نیمه دوم ماه می سال ۱۹۱۷م. دوره نو کار و عملیات جوان‌بخاریان آغاز می‌یابد. سپس، مجلس فرقه جوان‌بخاریان تشکیل می‌گردد، که در آن باز هیئت نو کمیته مرکزی فرقه جوان‌بخاریان با رهبری منظم انتخاب می‌شود. کمیته مرکزی فرقه جوان‌بخاریان، ماه دسامبر سال ۱۹۱۸م. کار نوشتن مرامنامه فرقه جوان‌بخاریان را به فطرت می‌سپارد و بعدها این مرامنامه نوشته او را کمیته مرکزی فرقه جوان‌بخاریان اواخر سال ۱۹۱۸م. در مجلس عمومی خود به عنوان لایحه

تصویب می‌کند.^{۱۲}

بعد از پیروزی انقلاب اکتبر، بویژه از ماه دسامبر سال ۱۹۱۷م. در امارت بخارا و عموماً در جمهوری ترکستان، وضعیت جدیدان و عموماً اعضای فرقه جوانبخاریان خیلی سنگین می‌گردد. در چنین وضعی، هیئت کمیته انقلابی کمیته اجرائیه جوانبخاریان تحت ریاست فیض‌الله خواجه‌اف با وسوسه‌های رئیس شورای کمیسران خلقی جمهوریت مختار سوسیالیستی ترکستان و سرکردگان گروه چپ فرقه جوانبخاریان، ماه مارس سال ۱۹۱۸م. جهت سرنگون ساختن و از بین برداشتن دولت استبدادی امیری سر به شورش می‌زند.

وقتی که عملیات ناموفق و ماجراجویانه کالیسوف و فیض‌الله خواجه‌اف و حتی خود منظم و هم‌مسلكانش در شخصیت فطرت با شکست انجام می‌پذیرد، امیر عالم‌خان روزهای ۱۸-۲۰ مارس سال ۱۹۱۸م. در بخارا اقدام قتل عام و ترور آزادی‌خواهان و معارف‌پروران و مخصوصاً جدیدان می‌کند که شرح برخی از وقایع این ترور وحشیانه عمومی را از پاورست «جلادان بخارا» می‌توان یافت.

هنگامی که فیض‌الله خواجه‌اف ماه اکتبر سال ۱۹۱۸م. با چند تن از هم‌مسلكانش از مسکو برگشت، در تاشکند شعبه مسکوبی کمیته مرکزی جوانبخاریان تحت نمایندگی کمیته اجرائیه مرکزی جمهوریت مختار شورایی سوسیالیستی ترکستان را تشکیل می‌دهد و ریاست آن را خود به عهده می‌گیرد و از همان وقت فرقه جوانبخاریان انقلابی را بنیان می‌گذارد. منظم از همین زمان، از فعالیت در فرقه جوانبخاریان انقلابی دست می‌کشد.

پی‌نوشتها:

۱. عینی، صدرالدین - کلیات، ج. ۷، ص. ۲۳۷.
۲. همان، ص. ۵۷۳.
۳. همان، ص. ۵۷۴.
۴. یکی از آن دو نسخه مجموعه مذکور، نسخه عینی است و نسخه منظم تا حال معلوم نیست. نسخه عینی اکنون در گنجینه دستنویسهای عبدالغنی میرزایف آکادمی علوم تاجیکستان با رقم ۱۲۴۷ محفوظ است. نیز نک.: کلیات، ج. ۷، ص. ۶۳۱ و ۲۳۷.
۵. عینی، صدرالدین - کلیات، ج. ۷، ص. ۳۰۹، ۳۱۰.
۶. عینی، صدرالدین - تاریخ انقلاب بخارا، ص. ۲۰.
۷. کلیات، ج. ۷، ص. ۴۴۴.
۸. همان، ص. ۴۴۵.
۹. همان، ص. ۴۴۵.
۱۰. عینی - کلیات، ج. ۱، ص. ۵۱.
۱۱. متن روسی این ماده در کتاب صاحب تبراف «منظم - رهبر سازمان جوانان و رئیس فرقه جوان بخاریان»، دوشنبه، ۲۰۰۴، ص. ۶۷ آورده شده است.
۱۲. مضمون مختصر لایحه برنامه جوان بخاریان انقلابی در کتاب صاحب تبراف: جان اندیشه‌های عبدالرئوف فطرت - دوشنبه، دانش، ۲۰۰۸، ص. ۷۰۶-۷۱۰ آمده است.